

## نگاهی دیگر به تذکرهٔ مدایح الحسینیه

### چکیده

در شمارهٔ ۲۳ فصلنامهٔ علمی کاوش‌نامه، مقاله‌ای تحت عنوان «معرفی متن مدایح حسینیه و بررسی مشخصات سبکی برجستهٔ آن» درج شده بود. این مقاله، تذکرهٔ باقی را در دو بخش تاریخی و ادبی ارزیابی کرده است. تذکرهٔ فوق، در باب زندگی، مدایح و اقدامات عمرانی محمدحسین‌خان صدر اصفهانی (۱۲۳۹-۱۱۷۴ ق) است که در چند سال آخر عمر، صدراعظم ایران در دورهٔ فتحعلی‌شاه بود. جستار حاضر نقدی است بر این مقاله، که ضمن معرفی ساختاری آن، کاستی‌ها و اشکالات آن را مشخص می‌سازد. این نقد، مقاله را از حیث ساختاری و محتوایی بررسی می‌کند و مشکلات آن را از قبیل نام تذکره و مؤلف، تاریخ تولد، شغل، زمان حکومت اصفهان، توازن تاریخ و ادبیات، پیشینهٔ پژوهش و مسائل دیگر معلوم می‌سازد. تذکره‌باقی‌کیازمهم-ترین منابع آگاهی بخشبرای معمار یوشهر ساز یومرتابینهاصفهانودیگرنقاطایرانوعراقاستوهمچنینمبعسرشاریبرایمادها تاریخدر دور خود محس وبمی‌گردد. در این مقاله، ضمن تصحیح نام تذکره و برخی از مشخصات دیگر آن، ویژگی‌های مهم غفلت شده در این متن معلوم می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** نقد، تذکره، مدایح الحسینیه، عبدالباقی، صدر اصفهانی

### بیان مسئله

در شمارهٔ ۲۳ فصلنامهٔ کاوش‌نامه، مقاله‌ای تحت عنوان «معرفی متن مدایح حسینیه و بررسی مشخصات سبکی برجستهٔ آن» درج شده بود. نکاتی که در ذیل می‌آید نقدی است بر آن مقاله.

### ۱- معرفی مقاله

مقاله که شامل ۳۵ صفحه و گویا مستخرج از رسالهٔ دکتری است پس از مقدمه و معرفی ۶ صفحه‌ای، در دو بخش کلی تنظیم شده است. ابتدا به «ارزش‌های تاریخی و محتوایی» تذکره در سه صفحه پرداخته شده و سپس جنبه‌های ادبی تذکره را حدود ۲۲ صفحه مورد ارزیابی قرار داده است. در واقع گسترده‌ترین بخش مقاله، همین بخش اخیر است که نقطهٔ قوت مقاله است و مسائل سبکی شناختی تذکره را در دو حوزهٔ فکری و زبانی کنکاش نموده و جنبه‌ای بدیع از پژوهش را در حوزهٔ تذکره‌شناسی عرضه کرده است. به ویژه قسمتی که به بسامدها پرداخته با بررسی آماری، بخشی از «خوشه‌ها و آقمار تصویری در

تشبیهات» را نشان داده است درخور توجه است و می‌تواند در پژوهش‌های بعدی سودمند باشد (بهرامی و قائمی، ۱۴۰۱: ۱۰۷-۱۰۲) و گرنه در بقیه موارد مانند رویکرد تذکره‌پرداز به انواع شعری شاعران و قضاوت درباره «میزان تسلط شاعر در گونه‌های ژانری» مدعی مقاله آن است که در تذکره‌های دیگر، «نمونه مشابهی تا امروز گزارش نشده است (پیشین: ۸۷) در حالی که در تذکره‌های این سده، همگونی‌های فراوانی دارد.

به هر رو، تلاش پژوهشگران محترم برای واکاوی محتوای علمی و ادبی تذکره به همراه احیای نسخ خطی آن، درخور تحسین است و امید است عرصه‌ای که ده‌ها سال پیش مرحوم گلچین معانی شناسایی و معرفی کرده (گلچین معانی، ۱۳۴۸) و شادروان عبدالرسول خیامپور چندین تذکره از آن را تصحیح نموده است (گرگی نژاد تبریزی، ۱۳۴۳ و دنبلی، ۱۳۴۳ و محمودمیرزا قاجار، ۱۳۴۳ و احمدمیرزا قاجار، ۱۳۴۶ و خیامپور، ۱۳۴۰ و هولاکومیرزا، ۱۳۴۴) و پس از آنها- جز فروغی کم‌رمق- بقیه مغفول مانده است ادامه یابد و این نوع متون، خود، حلقات گمشده تاریخ ادبیات ما را تا حدودی جبران کند. اما نکاتی چند در مقاله، به نظر می‌رسد که درخور تصحیح است و تقدیم نویسندگان آن می‌شود.

### ۱-۱- تصحیح نام‌ها و عناوین

الف: نام هر تذکره و تذکره‌نویس، نخستین مشخصه پررنگ آن اثر است که برای ثبت درست در فهرس و شناسایی‌های بعد، باید در معرفی صحیح آن کوشید. عنوان تذکره، همه جا در مقاله، مدایح حسینه قید شده است که درست آن مدایح الحسینه است. در ضمن باید به نام اولیه آن، یعنی مدایح آمینه نیز اشاره می‌شد. حذف «أل» در این نام‌های ترکیبی مجاز نیست و هزاران نام مشابه آن، در تاریخ عناوین کتب و رسائل و تذکره‌ها ثبت شده است. باید از پژوهشگران محترم پرسید آیا مجازیم نام حدیقه الشعرا یا مجمع‌الفصحا یا حقایق الاخبار ناصری را بنویسیم؛ حدیقه شعرا، مجمع فصحا، حقایق اخبار ناصری؟! روشن است که خود آنها نیز خود را مجاز ندیده‌اند که در مقاله خود رستم‌التواریخ را رستم تواریخ

بنویسند. همچنین بنویسند: سفینه محمود یا دستور اعقاب! جالب آن است که نویسندگان مقاله، نام لاتین تذکره را در چکیده انگلیسی درست نوشته‌اند اما در سراسر مقاله، فارسی آنها را بدون ال ثبت کرده‌اند. ب: همچنین عنوان تذکره نویس، در همه مواضع مقاله «اصفهانی» آمده است. در حالی که او عبدالباقی موسوی است که یا باید «موسوی» نوشت یا عبدالباقی اصفهانی یا به ضرورت ایجاز و تخفیف؛ باقی. آیا مجازیم دولتشاه سمرقندی را سمرقندی بنویسیم؟ یا دیوان بیگی صاحب تذکره حقیقه الشعرا را همه جا شیرازی بنویسیم؟

۱-۲- در مورد ممدوح تذکره یعنی حاجی محمدحسین خان امین الدوله معروف به صدر که محور اصلی این تذکره است سهوهایی مهم در این پژوهش رخ داده که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت. الف: تاریخ تولد او را ۱۱۸۵ ق ثبت کرده‌اند (ص ۸۱). در حالی که یقیناً نادرست است. علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه در اکسیرالتواریخ - که دقیقاً تاریخ همین دوره است - می‌نویسد: «مدت شصت و پنج سال، راح حیات چشید و... در سنه ۱۲۳۹ به عالم جاوید خرامید» (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۲۴۳). بنابراین، صدر در سال ۱۱۷۴ ق یعنی یازده سال زودتر از این تاریخ به دنیا آمده است. دلیل دیگر بر منطقی نبودن عدد ۱۱۸۵ این است فرزند ارشد صدر یعنی عبدالله خان، به شهادت منابع گوناگون در سال ۱۱۹۳ زاده شده است (مثلاً نگ؛ عضدالدوله، ۲۵۳۵: ۲۳۶) و نمی‌تواند در هشت سالگی پدرش به دنیا آمده باشد!

ب: نوشته‌اند: «برخی تواریخ قاجار، اصل او (صدر) را از رعا الناس و علف زاده دانسته‌اند» (ص ۸۱). ارجاع این مطلب به رساله دستورالاعقاب است. اولاً دستورالاعقاب، به نوشته مصحح فاضلش «نه تاریخ است و نه تذکره احوال شخصی» (نواب طهرانی، ۱۳۷۶: ۶ مقدمه مصحح). بلکه رساله‌ای است پریشان مانند رستم‌التواریخ. اما بدون طنز و لطافت‌های رستم‌التواریخ که از صدر فقط ۹ سطر توصیف بیشتر ندارد.

ثانیاً باید گفت واژه «علاف» را گویا حاسدان صدر شایع کرده‌اند و در منابع اصیل تاریخی نیست و از رساله‌های درجه دو و سه، مانند همین دستورالاعقاب به منابع جدید راه یافته است (نگک؛ صدر هاشمی، ۱۳۲۵: ۴۳ و همچنین؛ بامداد، ۱۳۷۸: ۳/۳۷۹).

واقع آن است که صدر و پدرش مباشر شهر اصفهان و تحویلدار بودند. یعنی جنس دیوانی را «از محل گرفته و به آریاب، حواله می‌دادند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷: ۶۹).

این پیشینه، شامل همه ضروریات زندگی آن روزگار، از جمله علوفه و علیق حیوانات؛ زغال، هیزم، گاه برای کاهگل، نمک و سایر آدویه و حبوبات و خواروبار هم بود. از این رو، هر یک از مخالفان صدر، یکی از این اجناس را به سُخره درباره او به کار برده است. تا همین اواخر هم در شهرهایی مانند اصفهان و یزد به فروشندگان این نوع اجناس، مجازاً علاف می‌گفتند. سیاحان فرنگی هم که پیوسته مشکل ترجمه داشتند و با واژه‌های مبشری و تحویلداری، مثل نسل ما، بیگانه بودند و نیز مخالفان او هر کدام نامی عجیب و غریب بر شغل صدر نهادند. ویلیام هالینگوی؛ هیزم‌فروش (اشراقی، ۱۳۷۸: ۲۹۴)، ماری شیل<sup>۲</sup>؛ سبزی‌فروش (پیشین: ۳۱۲)، فتحعلی‌خان صبا؛ کاه‌فروش و کاه‌کش (صبا، ۱۳۴۱: ۷۶۰) و برخی دیگر ذغال‌فروش (رایین، ۱۳۶۲: ۱۱) عنوان کرده‌اند. یکی از این مخالفان، صوفی سیاح، میرزازین‌العابدین شیروانی مستعلی‌شاه است (شیروانی، ۱۳۶۱: ۶۴۳) که با صفت «خسیس» یعنی پست، شغل او را تحقیر کرده است. این نوع تسامحات عمدی و تعبیر و ترجمه‌های غلط سهوی، می‌تواند خود، موضوع رساله‌ای در مطالعات متون باشد.

ج: نوشته‌اند: «صدر اصفهانی در ابتدا به مرتبه ایالت داری و بیگلریگی اصفهان و پس از آن به صاحب دیوانی و مستوفی‌الممالکی و بعد... صدر اعظمی رسید» (ص ۸۱).

1- William Holinghevy

2- Mary Sheil

اگر منظور از «ایالت‌داری»، پیشکاری حکومت و حاکمیت اصفهان باشد نباید مقدم بر بیگربیگی باشد و حتی با آن هم‌نشین گردد. چرا که سمت بیگربیگی صدر مقدم بر پیشکاری اوست. گفته‌اند آغامحمدخان به تلافی محبت‌های صدر در سال ۱۱۹۳ ق به او شغل بیگربیگی را تفویض کرد. این تاریخ محل تردید و تأمل است. چون در این تاریخ خواجه قاجار هنوز تثبیت نشده بود. صاحب تاریخ منتظم ناصری، تاریخ ۱۲۰۹ را برای سمت بیگربیگی صدر ذکر کرده است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/۱۴۸۸). سپس فتحعلی‌شاه در سال ۱۲۱۳ ق او را به سمت پیشکاری حکومت اصفهان برگزیده بود (همو، ۱۳۵۷: ۷۵). حاکم اصفهان در این زمان محمدعلیخان قاجار بود.

۱-۳- **بودجه‌بندی مقاله**، نامتوازن است. در حالی که مدعای مقاله در اصل «شناخت تاریخی و ادبی» تذکره است (ص ۷۸) این دو بخش بسیار ناهمگون از آب درآمده است چون نسبت ۳ صفحه به ۲۲ صفحه را نشان می‌دهد. یعنی بررسی تاریخی و محتوایی تذکره در کمتر از  $\frac{1}{7}$  مقاله ارائه شده است.

در همین سه صفحه، چهار فایده مستخرج به این شرح است:

۱. اطلاعات دقیق‌تر از جوایز و صلوات
۲. اطلاعات و نمونه‌های زیاده‌تر از شعرا
۳. اطلاعات نادر تذکره‌ای (مانند لقب ساحرالشعرايي)
۴. معرفی شاعران گمنام

البته تخصص پژوهشگران مقاله، زبان و ادبیات فارسی است و توقع بررسی دقیق تاریخی اثر، اندکی نابه‌جا می‌نماید. اما واقعیت آن است در چنین پژوهش‌هایی، جداسازی تاریخ از ادبیات، بسیار دشوار است. به ویژه که تذکره مدایح‌الحسینیّه، منبع سرشاری از ماده تاریخ است. ماده تاریخ یکی از رابط‌های مهم ادبیات و تاریخ است حدود ۲۰۰ ماده تاریخ در این تذکره عرضه شده است که خوانش و محاسبه و تطبیق آن در حوزه رشته ادبیات فارسی است.

این تذکره حدود ۲۰۰ ماده تاریخ دارد و برخی از سروده‌ها «تمام مواد» است. یعنی همه مصراع‌ها معادل یک تاریخ است. مانند قصیده ۶۰ مصراعی سحاب و قصیده ۳۶ مصراعی رهی اصفهانی. در ضمن مواد تواریخ یک بنا، گاه با هم متفاوت است. صاحب تاریخ اصفهان می‌نویسد: «توضیحاً اکثر آبنیه صدر ماده تاریخ‌های متعدد دارد که گاهی با هم اختلاف دارند مثل چهارباغ فتح آباد که مابین ۱۲۱۶-۱۲۲۰ پنج قسم ماده تاریخ گفته‌اند و برای حرم حضرت ابوالفضل العباس، علیه‌السلام، سیدمحمد سحاب یک قطعه تمام تاریخ سی‌بیتی (= ۶۰ ماده تاریخ) ساخته است به حساب ۱۲۱۴ و میرزا ابراهیم رهی اصفهانی، همان بنا را یک قطعه هجده‌بیتی تمام تاریخ (۳۶ ماده) ساخته است به حساب ۱۲۱۵ و همچنین برای بازارچه و چهارسوی حسین آباد طوقچی، ماده تاریخ‌ها از ۱۲۱۶ تا ۱۲۱۹ است که اختلاف برای طول مدت بناست که هر کدام، موقعی را رعایت کرده اول و وسط و آخر کار را تاریخ گفته‌اند. نگارنده این امر را رعایت کرده و در میان ماده تاریخ‌های متوافق هم هر کدام بهتر ساخته شده است، اختیار کرده‌ام» (همایی، ۱۳۸۴: ۱۱-۴۱۰). ماده تاریخ‌های محاسبه شده نسخه خطی کتابخانه ملی، همان گونه که یاد شد، اثر استاد مرحوم همایی است. ایشان بعضی از این ماده تاریخ‌ها را به عدد درآورده‌اند و گاه نیز توضیحی سودمند بر آن افزوده‌اند. البته در نسخه خطی مجلس شورای هم کمتر از یک دهم این مواد، محاسبه شده است اما هیچ گونه توضیحی ندارد. اما از طرف دیگر برخی از این حساب‌جمل‌ها در هیچ کدام از دو نسخه، حساب نشده است و بدون هیچ توضیحی، خام مانده است.

جدای از ماده تاریخ‌ها، این تذکره، منبع مهمی برای بررسی معماری و شهرسازی اصفهان در نیمه نخست دوره قاجار است. البته از اقدامات عمرانی صدر در کاشان، کرج، نجف و دیگر بقاع متبرکه عراق نیز سخن رفته و مواد تواریخ آن عرضه شده است. اما تمرکز تذکره بر اقدامات صدر در اصفهان است.

آزون بر آن برخی از اطلاعات دیگر تاریخی تذکره که گویا به چشم پژوهشگران مقاله نیامده است به شرح ذیل است:

۱. ذکر نکاتی که در تذکره‌ها و تاریخ‌های دیگر نمی‌توان دید. مانند این عبارت که نوشته است:

الف - سید محمد آتش به نیابت صدارت اصفهان رسید.

ب- آقاعلی اکبر پیمان (و میرزا محمد ابراهیم رهی) همراه عدّه ای، از عبدالله خان به فتحعلی شاه شکایت می کنند اما زبانشان بریده می شود و به عقوبت می رسند. مشروح آن از خلال همین تذکره متوسط و مدیحه های آن، تصاویری دلخراش و ارجمند برای تاریخ این دوره پیداست که نمی توان به سادگی از آن گذشت. در آن روزگار صدر به تهران می رود و یکی از چهار رکن دولت قاجار می شود، عدّه ای نزد شاه از او سعایت می کنند و در میان آن ها نیز همین محمد ابراهیم رهی است که شاه فرمان می دهد زبانشان را ببرند. آنگاه آنها به عذرخواهی می افتند و خود اقرار می کنند که:

شخصی به خواب دید که در دفترت رقم می کرده اند با سر شمشیر، منشیان

(باقی اصفهانی، بی تا: ۲۵۴)

و چنین تعبیر رفت. پس:

جنبد زبان هر که به کسر حکومت باشد ز پادشاه، زبانشان به جان، زیان

(همان)

و سپس عاجزانه از متشاکی ترحم می طلبد:

زخمی که از زبان خسان در دل من است بگذار مرهمیش به تنبیه و ترجمان

(همان)

ج- شکایت مفصل و مبسوط میر معصوم خاوری به دلیل مصادره روستایش.

د- میل کشیدن به چشم آقامحمد رفیع- از معارف فارس- که پدرش نیز یک چند در مرودشت

حکمران بود به خاطر طمع به شاهد ریاست.

ه- اعطای لقب ساحرالشعرایی از سوی فتحعلی شاه برای ناطق کاشانی به خاطر قصیدهٔ معجزیهٔ تمام تاریخ (که ۱۲۴ مصرع آن معادل یک تاریخ می شد).

و- پدر صدر یعنی حاجی محمدعلی در نجف مدفون شد.

ز- تبعید و توبهٔ آقامحمد شفیق کوزه کنانی.

۲. تصحیح بعضی از اشتباهات تاریخی در منابع دیگر. مثلاً این که عموم منابع ۱۲۲۸ را تاریخ مأموریت نظم فارس برای صدر می دانند. در حالی که تذکره ۱۲۲۵ را تاریخ این مأموریت ذکر می کند.

۳. ثبت تاریخ برخی اقدامات عمرانی مانند تعمیرات و تغییرات مهم در مسجد جامع اصفهان که اثری است جهانی و مسائل شهرسازی در اصفهان و کاشان و کرج و نجف و تولید آثار نفیس هنری در قالب ماده تاریخ، که به بیش از صد مورد، بالغ می شود.

۴. استفاده های منابع دیگر از تذکرهٔ باقی از دیگر فواید آن است. برخی از تراجم شعرا در تذکرهٔ ثمر عیناً از این تذکره است مانند: تسلیم، بسمل و مهدی بیگ شقاقی. از منابع امروزی هم یکی استاد همایی که بارها به استفادهٔ مکرر از این تذکره و سودمندی آن اذعان داشته است. مثلاً در رساله های «حواشی مجمع الفصحا» و به ویژه «تاریخ اصفهان».

۴-۱- همان گونه که نویسندگان آرجمند مقاله می دانند «پیشینهٔ تحقیق» یعنی معرفی و اشاره به منابعی که پیش از پژوهش حاضر، در شناسایی تذکره مزبور، کوشیده باشند و به طور معمول، ناظر به پژوهش های امروزی و دانشگاهی است. اما مقاله در این بخش، ابتدا در مقدمه، ضمن صدور حکم اینکه «تحقیقی جدی دربارهٔ تذکره انجام نشده»، تنها به یادکرد دیگر تذکره های قاجاری از تذکرهٔ باقی و حواشی آن بسنده کرده اند و از پژوهش های امروزی، فقط یادداشت های احمد گلچین معانی و مرحوم جلال الدین همایی را عنوان کرده اند. جهت آگاهی، فهرست برخی از مقالاتی را که در باب صدر و تذکرهٔ مدایح الحسینیّه منتشر شده است ذکر می کنیم:



۱. مقاله «صدر اصفهانی و اقدامات وی در اصفهان» (چلونگر و خالدی، ۱۳۹۵).

۲. مقاله «آز دارالحکومه تا موزه هنرهای معاصر» ۱۳۹۵

۳. مقاله «صدر در صدر حکام خلاق اصفهان» ۱۳۹۶

۴. مقاله «در باب شبهه انگلوفیل بودن صدر اصفهانی» ۱۳۹۶

۵. مقاله «مسجد- مدرسه نمودی از معماری دوگانه» ۱۳۹۷

۱-۵- نوشته‌اند: «ویژگی مهم تذکره مدایح حسینیّه آن است که هم زمان، هم تذکره‌های عصری، هم تذکره مدایحی و هم تذکره ناحیه‌ای است» (ص ۳-۸۲).

مبنای این تقسیم‌بندی‌ها چندان روشن نیست. باید پرسید آیا تذکره‌های مدایحی و ناحیه‌ای می‌توان سراغ گرفت که عصری نباشد؟!

۱-۶- نوشته‌اند: «در تذکره مدایح حسینیّه، رویکرد ظریفی به انواع شعری وجود دارد... بدین صورت که اصفهانی (باقی)، در نقد شعر یک شاعر به گونه ژانری خاصی که شاعر در آن تسلط دارد تصریح کرده... این اشارات... به قدری تکرار شده که در تذکره‌های دیگر با این کیفیت و کمیت، نمونه مشابهی تا امروز گزارش نشده است» (ص ۸۷). سپس مثالی از پروانه می‌آورد: «غالباً به غزل سرایی مایل و قصیده‌اش نیز طرز غزل [را] شامل است». باید گفت این تذکارهای تذکره‌ای، به قدری در تذکره‌های سده سیزدهم وجود دارد که ویژگی تذکره‌ای این عصر است. برای نمونه می‌توان به مواضع گوناگون حدیقه‌الشعرا نگریست. یا تذکره مآثرالباقریّه (مثلاً نگ؛ وفا زواره‌ای، ۱۳۸۵: ۷۱ و ۸۲ و ۸۸ و ۱۱۰-۱۰۹) مثلاً ذیل احوال فنا می‌نویسد: «با آنکه در مراتب شاعری، ممارستی که باید و مدارستی که شاید ننموده، به مقتضای قوت طبع، مضامین بلند و ادبیات دلپسند آرد» (پیشین: ۱۱۶).

۷-۱- همان گونه که اشاره شد تذکرها عموماً وجهی غالب دارد که پژوهشگر باید آن را بیابد و نشان دهد. مثلاً پررنگ‌ترین وجه تذکره یخچالیه، مسائلی است که مذهب بهار، آن را در نقیضه‌سازی، نمایان‌تر کرده است. مهم‌ترین وجه تذکره مدایح معرفی و ذکر آثار و ابنیه صدر است.

چون برخی از آن بناها و صناعات نه تنها امروز پس از حدود دو سده، وجود ندارد بلکه بعضی راحتی نامی در تاریخ‌ها و تذکره‌های دیگر نیست. مانند او طاق داد.

از این حیث، مدایح الحسینیّه را در رشته‌های دیگر علوم جدید مانند تاریخ مطالعات معماری و شهرسازی و اصفهان‌شناسی مثمر و پراهمیت می‌سازد.

۸-۱- سهوالقلم‌هایی که در مقاله گاه بروز یافته است مانند: انتساب (/ انتصاب) ص ۸۲ سخنران (/سخنرانی) ص ۹۴، اقلأ ص ۸۱.

۹-۱- «در باره علّت مرگ او گفته‌اند که به ظاهر به بیماری یرقان مبتلا شد و در تاریخ ۱۲۳۹ ق درگذشت؛ با این حال خاوری شیرازی در تاریخ ذوالقرنین، غصّه و آندوه ناشی از مخالفت میرزا علی محمدخان با انتساب (؟ ظ: انتصاب) نوه محمدحسین خان به مقام بیگریگی اصفهان را سبب فوت صدر دانسته است (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۵۸۲-۵۸۰)».

«بیماری یرقان و مرگ طبیعی» علّتی است که مورّخ درباری صاحب نسخ‌التواریخ ذکر می‌کند (سپهر، ۱۳۷۷: ۳۵۰). اما تردید و تشکیک تاریخ ذوالقرنین درست است. گو اینکه دلیل غصه و آندوه صدراعظم نمی‌تواند مخالفت با نصب نوه‌اش باشد آن هم آندوهی که منجر به مرگ گردد. دلیل این آندوه منتهی به مرگ باید چیزی بزرگ‌تر و مربوط به خود صدر باشد نه نوه او.

اما «حاجی هاشم‌خان لبنانی» که هم از منسوبان صدر است و هم از منتقدان دوره حاکمیت فرزندش عبدالله‌خان، در حواشی یک نسخه خطی به نام «مقتل خارا شکاف» به مسأله هولناک دیگری اشاره می‌کند. او در باب عبرت‌های مناصب دنیا می‌گوید؛ صدر که آن همه به فتح‌علی‌شاه خدمت کرده بود و شاه از او تمجید می‌نمود، آخر عمر تحت تأثیر از یک بی‌حرمتی از همین شاه بیمار شد و از دنیا رفت.

حاج هاشم خان به تفصیل نمی گوید که این بی حرمتی چه بوده است. اما در آفواه خواص، نقل است که شاه بر سر اختلافی ناچیز در وجوهات و مالیات، یکی از غلامان خود را برانگیخت و غلام در حین استخفاف، لگدی به شکم صدر یا اندکی فروتر زد و صدر اصفهانی به فاصله کمی از غصه و درد قالب تهی کرد. عین عبارت حاج هاشم خان چنین است:

«مرحوم حاجی محمدحسین خان اصفهانی صدراعظم از آن مشهورتر است که حاجت به نگارش باشد، خزانه و دستگاه پادشاهی، از او خزانه و دستگاه شد. و پادشاه وی را درخت جواهر گفتم عطاهاى بزرگ کریمانه کردی کارهای بزرگ و شاهانه از وی برجا بماند.

وقتی قیصر روم از پادشاه ایران به قدر دو کروور وجه به قرض خواسته بود. شاه می گفت نام قرض بردن خوش آیند نی و این قسم دادن هم بی حاصل است. مرحوم صدر گفت من جواب او گویم. چون عامی بود گفتند البته ضایع کند. باری به سفیر قیصر گفت که این قابل آن نیست که به شاه عرض شود، بغداد را به من بیع شرط بدهید.

در همان بغداد، وجه را حواله می کنم بگیریید. و چنین همّت داشت. ایلچی رفت که از دولت اذن بگیرد، دیگر مراجعت و اعاده کلام نشد. همچو پادشاهی مثل فتحعلی شاه که او را پادشاه خداپرست گفتند و همچو کارگزاری این فقیر را مأمور فرمودند که هشتاد هزار تومان باقی منال دیوان را از او گرفته و به دارالخلافه اش برم، چون به دارالخلافه رسید یکی از غلامان گرجستانی را امر فرمودند به جهت جزئی وجه، بر او آویخت و بی حرمتی کرد که از آن پس، مریض شد و به اندک زمانی وفات پیدا کرد. وقتی که در اقتدار بود این فقیر از او شنیدم که می گفت: گویا که دائماً شیری در مقابل من ایستاده و می خواهد مرا بدرد و پاره کند و اگر لمحه ای طعمه در دهانش نیندازم البته مرا خواهد درید و بعضی از عمال دیوان گویند ما را چاره ای از این کار نیست در بیم از نکردن و مجبور از کردنیم و این خلاف واقع است.

پادشاه و حکام، اگر شخصی را تکلیف به امر دیوان و فعل حرام بکنند و او امتناع نماید البته نزد پادشاهان و حکام و سایرین معزّز شود و اگر قبول کند البته خوار شود و دیگر دزدی کردن است. دزد همیشه در زندان و در بیم جان و مفلس در پی نان است» (لبنانی، بی تا: ۶۷۴).

پذیرفته شده برای انتشار

بد بند و آن ظالم هم البته اولاً اذیت و خواهر کرد خسر دنیا و الا خیره اگر ضوابط  
 دهر با نسی را نمی توانی محبت من امکان ظالم فقد سقطه التمر محرم حاجی در حلیه  
 اصفا باین صدر اعظم از آن مشهور تر است که حاجت بنکارش باشد خزانه و دستگاه پادشاهی  
 از خزانه و دستگاه شد پادشاه وی را درخت خواهر گفتی عطا گامی بزرگ کرمانه کردی  
 کارهای بزرگ شاهانه از وی بر جا ماند وقتی قیصر روم از پادشاه ایران بقدر دو کلور  
 وجه بقرض خواسته بود شاه میگفت نام قرض بزدن خوش آید نه و این قسم دارن هم  
 بی حاصل است مرحوم صدر گفت من جواب او گویم چون عامی بود گفتند البته ضایع کند  
 باری بقیصر قیصر گفت که این قابل آن نیست که شاه عرض شود بغداد را بمن بیع شرط بده  
 در همان بغداد وجه را حواله میکنم بگیرد و چنان همت داشت ایلی رفت که از دولت اقلان  
 بگیرد دیگر مراجعت و اعاده کلام شد بچو پادشاهی مثل فتحی شاه که او را پادشاه خداست

تصویر دستنوشته هاشم خان لنبانی، داماد صدر، در باب مرگ او

تاریخ قاجار از این صحنه‌ها کم ندارد و امر مستبعدی نیست. در باب سراج الملک - رئیس مالیه اصفهان - نوشته‌اند «مثلی است سایر از برای این میرزا که شش ماه برنج صدری می خورد و شش ماه چوب» (جناب، ۱۳۸۵: ۱۳۸). شکنجه‌های غریب و اسفناک او برای مطالبه بقایای مالیات اصفهان در برخی از رسائل تاریخ اصفهان ثبت شده است و آثار آن حتی دامنگیر خانواده او نیز شد (همان). بنابراین روایت هاشم خان از علت مرگ صدر نیز می تواند درست باشد و قول تواریخ رسمی مانند ناسخ التواریخ نمی تواند ملاک باشد. چنان که در مرگ امیرکبیر نیز همه مورخان جز میرزا جعفر خورموجی مرگ طبیعی و بیماری را ثبت کردند.

به هر رو، در صبح روز چهارشنبه ۱۳ صفر سال ۱۲۳۹ ق، مطابق با ۱۲۰۲ شمسی، تسلیم قضا شد. صاحب ناسخ التواریخ رقم ۱۲۳۸ را برای مرگ صدر ثبت کرده است (لسان الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۳۵۱). اما یکی از دلایل صحت ۱۲۳۹، به جز تواتر منابع آقدم، مرثیه ماده تاریخ داری است که به عربی، شاعری نزد پسر آرشد صدر - عبدالله خان - خواند و ۷۰۰ تومان صلّه دریافت کرد. مصراع تاریخ آن چنین است: «الصدر فی الجنّات حلّ مکرمًا» که معادل ۱۲۳۹ است (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۷: ۸۷ و نیز رک؛ دنبلی، ۱۳۸۳: ۴۹۸ و همچنین بامداد، ۱۳۷۸: ۳/ ۳۸۰).

شادروان صدرهاشمی می نویسد: «پس از وفاتش بر حسب وصیت آن مرحوم، جنازه اش را به اعزاز و اکرام تمام به قم نقل نمودند و پس از طواف در روضه مطهره حضرت معصومه، بر تخت روانی گذاشته به همراهی چندین مرد سیاه پوش و قاریان قرآن به نجف اشرف حمل کردند و در آن جا نزدیک دروازه نجف دفن نمودند و تا چندی طلب و فقرا را شب های جمعه از اوقاف آن مرحوم، اطعام می نمودند» (صدرهاشمی، ۱۳۲۵: ۵-۴۵).

این قبر در مجاورت مدفن پدرش، هم اکنون در زیرزمین مدرسه صدر نجف واقع شده است. شاعران زیادی در مناطق ایران و عرب، در رثای او شعر گفتند که برخی از قصاید آنان در تذکره باقی مضبوط است.

با مرگ صدر، دوباره داستان ۱۲۳۴ تکرار شد و فتحعلی‌شاه با وجود قائم مقام در تبریز، فرزند صدر عبدالله‌خان را به صدارت عظمای برگزید (همایی، ۱۳۸۴: ۴۰۸) و نقار قدیم تجدید شد.

### نتیجه

مقاله «معرفی متن مدایح‌الحسینیه و بررسی مشخصات سبکی برجسته و بررسی برجسته آن» با وجود مطالعه و بررسی این متن مفصل و استنتاج‌های درست سبکی و تاریخی، در پاره‌ای از مواضع دچار سهوهای شده است. در این مقاله، بر اساس منابع و آدله مطرح شده مشخص شد که نام صحیح تذکره در منابع و همه دستنوشته‌های آن متن، مدایح‌الحسینیه است. تاریخ درست تولد صدر ۱۲۳۹ ق است نه ۱۱۸۵. قول رساله «دستورالاعقاب» مبنی بر اشتغال اولیه صدر، صحیح نیست و شغل او مابشری و تحویل‌داری اصفهان بوده است. ترتیب صحیح مناصب صدر، بیگلربیگی و سپس حکومت اصفهان بوده است و متون تاریخی و ادبی، همه دلالت بر این چیدمان دارند. همچنین بودجه‌بندی نامتوازن مقاله، باعث شده که تنها یک هفتم مقاله، به شناخت تاریخ و ادبی، این تذکره مهم پردازد و از اطلاعات اساسی و اصلی آن که دقایق تاریخی و فرهنگی در حدود ۲۰۰ ماده تاریخ، غفلت شود. این حجم مواد تواریخ، تذکره مدایح‌الحسینیه را به یکی از مهم‌ترین اسناد معماری و شهرسازی اصفهان و اطراف، در آغاز دوره قاجار بدل کرده است که در میان تراث و اسناد، بدیل ندارد. نکاتی نیز از حیث تاریخ ادبیات، تنها در این تذکره آمده است و برخی از تذکره‌های دیگر این دوره، مانند تذکره ثمر، آنها را یکجا از این تذکره وام گرفته‌اند. یکی از منابع اصلی پژوهش‌های استاد همایی در تدوین برخی از آثار مانند تاریخ اصفهان و حواشی مجمع‌الفصحا، این تذکره است. دلیل مرگ نابه‌هنگام صدر اعظم، برخلاف مدعای مقاله و مطابق رساله لبنانی، آزار بدنی و بی‌حرمتی صدر به فرمان شاه است.

### منابع

الف: کتاب

- اشراقی، فیروز (۱۳۷۸) اصفهان از دید سیاحان خارجی. اصفهان: آتروپات.
- اعتضادالسلطنه، علی قلی میرزا (۱۳۷۰) اکسیرالتواریخ. به اهتمام جمشید کیان فر. تهران: ویسمن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۵۷) صدرالتواریخ. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷) تاریخ منتظم ناصری. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۸) شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴. تهران: زوآر پنجم. ۶ ج.
- جناب، میرسیدعلی (۱۳۸۵) رجال و مشاهیر اصفهان. به کوشش رضوان پورعصار. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی (۱۳۸۰) تاریخ ذوالقرنین. تصحیح ناصر افشان‌فر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۴۰) فرهنگ سخنوران. تبریز: شرکت سهامی کتاب آذربایجان. ۲ ج.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۴۳) تذکره نگارستان دارا. به کوشش عبدالرسول خیامپور. تبریز: شرکت کتاب آذربایجان.
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۳) مآثر سلطانیه. تصحیح غلامحسین زرگری نژاد. تهران: روزنامه ایران.
- رایین، اسماعیل (۱۳۶۲) حقوق‌بگیران انگلیس در ایران. تهران: جاویدان. چاپ هشتم.
- صبا، فتحعلی خان ملک‌الشعرا (۱۳۴۱) دیوان. به کوشش محمدعلی نجاتی. تهران: اقبال.
- عضدالدوله، سلطان احمد میرزا (۲۵۳۵) تاریخ عضدی. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: بابک.
- قاجار، احمد میرزا (۱۳۴۴) تذکره مصطفی خراب. به کوشش عبدالرسول خیامپور. تبریز: سلسله نشر تذکره‌ها.
- قاجار، محمود میرزا (۱۳۴۶) سفینه‌المحمود. به تصحیح عبدالرسول خیامپور. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران.



- گرجی نژاد تبریزی، احمد (۱۳۴۳) تذکره آخر. به کوشش عبدالرّسول خیامپور. تبریز: کتاب آذربایجان.

- گلچین معانی، احمد (۱۳۴۸) تاریخ تذکره‌های فارسی. تهران: دانشگاه تهران. ۲ ج.

- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷) ناسخ‌التواریخ (قاجاریه). جلد ۱ و ۲. به کوشش جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.

- نوّاب طهرانی، میرزامهدی (۱۳۷۶) دستورالاعقاب. به تصحیح سیدعلی آل‌داوود. تهران: نشر تاریخ ایران.

- وفا زواره‌ای، میرزامحمدعلی (۱۳۸۵) تذکره مآثرالباقریّه. تصحیح و تحشیه حسین مسجدی. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.

- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۴) تاریخ اصفهان؛ مجلد آبنیه و عمارات و آثار باستانی. به کوشش ماهدخت همایی. تهران: هما.

- هلاکو میرزا (۱۳۴۴) مصطبه خراب. به کوشش عبدالرّسول خیامپور. تبریز: بی‌نا.

### ب: مقاله

- بهرامی تربتی، رضا و فرزاد قائمی (۱۴۰۱) «معرفی متن مدایح حسینیّه و بررسی مشخصات سبکی برجسته آن» فصلنامه علمی کاوش‌نامه. سال ۲۳.

- چلونگر، محمدعلی و هوشنگ خالدی (۱۳۵۹) «صدر اصفهانی و اقدامات وی در اصفهان». مجله فرهنگ اصفهان. ش ۱. بهار. صص ۵۱-۴۱.

- صدر هاشمی، محمد (۱۳۲۵) «احوال بزرگان؛ حاجی محمدحسین خان صدر اصفهانی ملقب به نظام‌الدوله». مجله یادگار. ش ۱۸. فروردین. صص ۵۴۴-۴۱.

- مسجدي، حسين (۱۳۹۵) «آز دارالحکومه تا موزه هنرهای معاصر». فصلنامه فرهنگ اصفهان. ش ۳ و ۴. پياپی ۴۵ و ۴۶. پاییز و زمستان. صص ۱۷-۶.
- مسجدي، حسين (۱۳۹۶) «صدر؛ در صدر حکام خلاق اصفهان». مجموعه مقالات نگاهی به شهر خلاق. اصفهان: فرهنگي و تفریحی.
- مسجدي، حسين (۱۳۹۶) «در باب شبه انگلوفیل بودن صدر اصفهانی». فصلنامه فرهنگ اصفهان. ش ۴۹-۵۰. زمستان. صص ۵۰-۴۶.
- مسجدي، حسين (۱۳۹۷) «مسجد- مدرس؛ نمودی از معماری دوگانه با تأکیدی بر مسجد- مدرسه خان پاقلعه». فصلنامه فرهنگ اصفهان. ش ۱ و ۵۲. تابستان ۱۳۹۷. صص ۳۳-۲۹.

### ج: نسخه خطی

- باقی اصفهانی، عبدالباقي (بی تا) نسخه خطی مدایح الحسینیة. کتابخانه مجلس. ۲۲۶ برگ.
- لبنانی، حاج هاشم خان (بی تا) مقتل خارا شکاف. نسخه خطی.

بزرگ برای انتشار